

اینده پژوهش

سال سی و پنجم، شماره چهارم
مه روازان ۱۴۰۳ - ISSN: 1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب‌شناسی و
اطلاع‌رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۰۸

۲۰۸

۲۰۸

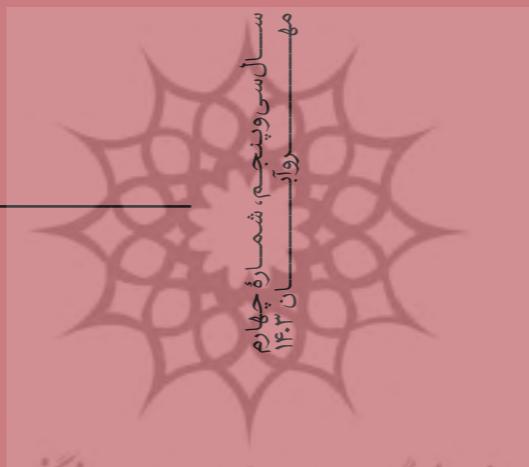
Ayeneh-ye-Pazhoohesh

Vol.35, No.4 Oct - Nov 2024

208
dedicated to book critique, book
in the field of Islamic culture

«مُقْبِل آیَتَ كَه ...» (بازخوانی و تَصْحِيحِ بَيْتٍ أَزْمُفْرَدَاتِ سَعْدِی) گیوبون، محمد (ص) و اسلام | چاپ نوشت (۱۵) | پاره‌ای از یک تفسیر ناشناخته معتزلی، احتمالاً از سده چهارم یا پنجم هجری | میهمانان تازی گوی فرهنگستان ایران | اشعار تازه‌یاب از شاعران دوره قاجار با استناد به نشریات آن عصر (۱) | فارسی‌یات | رباعیات منسوب به افراد خاندان جوینی در منابع کهن | ناهیدین (اقتراحی درباره یک واژه دشوار و ناشنا در شاهنامه) | یادداشت‌های حاشیه متون فارسی و عربی (۲) | خراسانیات (۱) نوشتنگان (۹) | یادداشت‌های لغوی و ادبی (۱) | طومار (۷) | درنگی بر جدیدترین ترجمه انگلیسی کتاب شریف نهج البلاغه | حدود مفروض، حدود ممکن، حدود مقبول | آینه‌های شکسته (۵) | بررسی فهرست کتاب‌های فارسی چاپ سربی کتابخانه کنگره آمریکا | میرلوحی سبزواری و جعل دو کتاب ائمین المؤمنین و کفاية البرایا | شرح و تصحیح گلیله و دمنه در بوته نقد | نگاه، حاشیه، یادداشت

اپیوست آینه پژوهش | کلام شاهانه / ملوک الکلام، کتابی چندانشی از عصر میانی قاجار



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتوال جامع علوم انسانی

پاسخ به نقدهای آقای محمد سوری در مقاله معرفی و نقد کتاب «مجموعه آثار ابن خفیف شیرازی»

معین کاظمی فر

| ۵۳۱ - ۵۳۶ |

۵۳۱

آینه پژوهش | ۲۰۸
سال | ۲۵ شماره ۴
مهر و آبان ۱۴۰۳



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرستال جامع علوم انسانی

در شماره ۲۰۶ مجله آیتله پژوهش مقاله‌ای به قلم آقای محمد سوری در ارتباط با معرفی و نقد کتاب «مجموعه آثار این خفیف شیرازی» درج شده است که من می‌کوشم در این نوشتۀ کوتاه ضمن بررسی و صحّت سنجی این نقدها، به کوتاهی به آنها پاسخ گویم و قضاوت نهایی درباره درستی و نادرستی ادعاهای ایشان را بعهده اهل فضل و دانش می‌گذارم.

ابتدا باید اشاره کنم که چاپ و انتشار مجموعه آثار ابن خفیف شیرازی، با همکاری و اشراف جناب پروفسور فلورین زویبروی^۱ از آلمان صورت گرفته است و این مجموعه دو جلدی در واقع حاصل همکاری بندۀ با ایشان بوده است. محققان حوزه مطالعات تصوف البته با آثار و تحقیقات جناب استاد زویبروی آشنا هستند، اما محض اطلاع عموم مخاطبان عرض می‌کنم که جناب فلورین زویبروی استاد برجستهٔ شرق‌شناسی دانشگاه فردیش شیلر در یونای‌آلمان^۲ هستند که سالهای عمر پربرکت خود را در زمینهٔ مطالعات نسخ خطی عربی و بویژه آثار ابن خفیف شیرازی صرف کرده‌اند و مقالات و تصحیحات ایشان از جمله تصحیح کتاب الاقتصاد ابن خفیف^۳ و مقالات متعدد ایشان دربارهٔ این شیخ شیرازی (از جمله مدخل ابن خفیف در دائرة المعارف اسلام^۴) معتبرترین و متقن‌ترین منابع در رابطه با ابن خفیف است. (یرای آگاهی بیشتر از تحقیقات فلورین زویبروی دربارهٔ ابن خفیف و عرفان فارس به پی نوشته مراجعه فرمایید^(۱)) در واقع اگر تنها یک فرد در مطالعات تصوف وجود داشته باشد که بتوان وی را متخصص مطالعات ابن خفیف دانست بی‌شك این فرد کسی جز استاد فلورین زویبروی نیست.

استاد زویبروی علاوه بر راهنمایی و اشراف بر مراحل تدوین این مجموعه آثار، دو اقدام مهم نیز در این رابطه انجام دادند: نخست آنکه یادداشت‌های ابن خفیف بر حاشیه کتابی با عنوان شرح خاصیة الآیات، همراه با توضیحات خودشان را برای انتشار در این مجموعه به بندۀ سپردن تا این مجموعه آثار از هر نظر تکمیل شود و مشتمل بر همه آثار بدست آمده از ابن خفیف گردد. و دوم اینکه ایشان از نتیجهٔ تحقیقات چنان راضی بودند که بالطف و سخاوت خود تصمیم گرفتند مقاله من در اثبات انتساب رساله

1. Florian Sobieroj

2. Friedrich-Schiller-Universität Jena

3. Ibn Haffîf as-Šîrâzî und seine Schrift zur Novizenerziehung (Kitâb al-iqtisâd)»

4. "Ibn Khafif", in: The Encyclopedia of Islam. Third Edition.

موسوم به اوصاف القلوب همراه با معرفی این مجموعه آثار را برای مخاطبان غیرفارسی زبان، به زبان انگلیسی ترجمه و منتشر کنند تا فواید آن عام شود. ترجمه هر دو نوشته ایشان در مقدمه این مجموعه آثار آمده است.

اما پیش از بررسی و پاسخ به نقدهای مذکور، لازم است اهدافی را که ما در انتشار این مجموعه آثار دنبال کردیم به اختصار بیان کنم. ما در انتشار این مجموعه آثار در پی سه هدف عمده بودیم: ۱- اثبات صحبت انتساب رساله موسوم به اوصاف القلوب به ابن خفیف وارائه نسخه تصحیح شده از این رساله که بدون کوچکترین تردیدی یکی از مهمترین و مفصل‌ترین آثار بدست آمده از صوفیان نخستین در ایران است و اهمیت و ارزش آن در مطالعات تصوف برای محققان روشن و مبرهن است. ۲- گردآوری همه آثار یافت شده از ابن خفیف در یک مجموعه (که مشتمل است بر یک رساله مفصل موسوم به اوصاف القلوب و پنج رساله متوسط و کوتاه بعلاوه یادداشت‌های مختصر ابن خفیف بر کتاب شرح خاصیة الآیات که ضمن نوشتار پروفسور زویبروی آمده است). ۳- ارائه ترجمه فارسی رسائل کوچک و متوسط ابن خفیف (توضیح آنکه از سه رساله شیخ یعنی معتقد، شرف الفقراء و وصیت، ترجمه‌های کهنه موجود بود که آنها را در جلد دوم این مجموعه آوردیم و دور رساله دیگر یعنی رساله اقتصاد و رساله فضل التصوف علی المذاهب را که از آنها ترجمه‌ای موجود نبود، به فارسی ترجمه کرده و در جلد دوم درج گردید).

۵۳۴

آینه پژوهش | ۲۰۸
سال ۳۵ | شماره ۴
مهر و آبان ۱۴۰۳

آقای سوری در نوشته خود نقدهایی را با این مجموعه آثار وارد کرده‌اند که اکثر آنها ناظر به مسائل صوری از قبیل اشکالات تایپی، شیوه حروف چینی، پاراگراف‌بندی، نمایه و... است که نوعاً مربوط به ناشر محترم یعنی نگاه معاصر می‌شود. اگرچه برخی از این اشکالات بر کار ناشر محترم وارد است و ناشر محترم پذیرفته‌اند در چاپ بعدی آنها را اصلاح کنند اما نکته عجیب این است که آقای سوری این قبیل اشکالات فنی و صوری را که در همه آثار چاپی در کشور به وفور یافت می‌شوند با آب و تاب و لحنی غیر علمی در بوق و کرنا کرده‌اند و با برجسته کردن این قبیل اشکالات صوری بیش از هر چیز نشان داده‌اند که نتوانسته‌اند بین امور اصلی و امور فرعی تشخیص و تمییز قائل شوند. بی‌تردید مانیز ترجیح می‌دادیم که اثربر دست مخاطب می‌رسد عاری از این اشکالات صوری باشد اما متناسبانه فرایند چاپ آثار در ایران به گونه‌ای است که در بسیاری موارد، اثر چاپ شده با نسخه‌ای که نویسنده‌گان به ناشر تحویل می‌دهند تفاوت دارد.

اما از نقدهای باقی مانده دو مورد را که ارزش ذکر و یادآوری دارند به اختصار بررسی می‌کنم: یکی از نقدهایی که ایشان به این مجموعه وارد کرده‌اند عبارت از این است که چرا رساله موسوم به اوصاف القلوب فاقد تعلیقات و توضیحات است. در پاسخ به ایشان باید بیان کنم که اصولاً ارائه تعلیق و توضیحات جزء اهداف ما در انتشار این مجموعه آثار نبوده است و حتماً ایشان مطلع هستند که ارائه تصحیح از یک متن یک چیز است و ارائه تعلیقات و توضیحات امری دیگر. بی‌شک رساله موسوم به اوصاف القلوب آنقدر اهمیت دارد که بند بند آن حتماً باید موضوع تحقیقات مفصل بعدی اعم از مطالعات عرفانی، مطالعات حدیثی، مطالعات تفسیری، مطالعات ادبی و زبان‌شناسی قرار گیرد؛ اما هدف ما در این مرحله اصولاً شرح و تعلیق متن نبوده است. البته در ضمن تصحیح این رساله گاه به صورتی از یک حدیث یا شعر برخورد شد که با صورت آن حدیث یا شعر در منابع دیگر اختلاف داشت و صرفاً این موارد اختلافی را در پاورقی ذکر کرده‌ایم و گرنه به هیچ وجه بنای کار بر تعلیق‌نویسی یا مأخذیابی نبوده است.

۵۳۵

آینه پژوهش | ۲۰۸
سال | ۲۵ شماره ۴
مهر و آبان ۱۴۰۳

نکته دیگر آنکه بسیاری از محققان و دانشمندان بزرگ حوزه مطالعات عرفانی که متون کهن را تصحیح کرده‌اند، تصحیح خود را بدون شرح و تعلیق منتشر نموده‌اند. این مسأله آنقدر واضح است که نیاز به توضیح بیشتر ندارد تنها برای نمونه به یک مثال بستنده می‌کنم: جناب استاد شادروان بدیع‌الزمان فروزانفر با تلاشی پیگیر و درخشنان موفق شدند نسخه‌ای تصحیح شده از کتاب معارف جناب به‌اولاد پدر مولانا رادر سال ۱۳۳۳ منتشر کنند؛ اما این متن غامض و پر ابهام فاقد هر نوع تعلیق و شرح و مأخذیابی است و صرفاً همراه با مقدمه و اعلام منتشر شده است ولی با این وجود به هیچ وجه این مسأله اشکالی برکار ایشان وارد نمی‌کند و البته نافی ضرورت تحقیقات تکمیلی درباره این متن نیز نیست. و این دقیقاً شیوه‌ای است که ما در این مجموعه آثار دنبال کرده‌ایم یعنی همه آثار بجامانده از این خفیف (و ترجمهٔ فارسی رسائل کوتاه و متوسط) را همراه با دو پیشگفتار و مقدمهٔ مفصل به قلم دکتر زویبروی و قلم بندۀ همراه کرده و در انتهای نیز اعلام کتاب را به تفکیک درج نموده‌ایم.

نقد عجیب و جالب دیگر ایشان به این مجموعه آثار این است که چرا حقوق مصححان پیشین رسائل کوچک و متوسط این خفیف رعایت نشده است. غرابت این نقد به حدی است که صرفاً می‌توان چنین تصور کرد که ایشان حتی فرصت نکرده‌اند یک بار این مجموعه آثار را با دقت بخوانند چون حتی با یک خوانش سطحی می‌توانستند ببینند که نام تمام

مصححان پیشین در سه موضع کتاب یعنی ۱- در مقدمه کتاب ۲ در قسمت منابع و مأخذ و ۳- در صفحه نخست هر رساله آمده است. در حقیقت هیچ رساله‌ای از مصححان پیشین ذکر نشده مگر اینکه نشانی دقیق مأخذ و منبع، ذکرو به طور کامل و دقیق مستند سازی شده باشد. از آثار تصحیح شده پژوهشگران پیشین چهار مورد مربوط به خانم دکتر آنماری شیمل است که به ترتیب در صفحات ۷، ۷۷، ۱۱ و ۲۱۳ به آنها ارجاع داده شده است، دو مورد مربوط به مرحوم دکتر فاطمه علاقه (یک مورد با همکاری آقای برگ نیسی) که به ترتیب در صفحات ۱۳ و ۷۹ به آنها ارجاع داده شده است و یک مورد مربوط به دکتر فلورین زویبروی که در صفحه ۳۹ به آن ارجاع شده است. و این علاوه بر ارجاع به آثار مصححان پیشین در مقدمه (صفحه ۳۰) و فهرست منابع و مأخذ (صفحه ۵۶) کتاب است.

در انتها امید من است که این مجموعه آثار توانسته باشد با ارائه تمام آثار بدست آمده از ابن خفیف در یک مجموعه، گامی به سوی تحقیقات بعدی راجع به ابن خفیف که در سرزمین مادری خود بسیار ناشناخته مانده است بردارد.

۵۳۶

پی نوشت

آینه پژوهش | ۲۰۸
سال ۳۵ | شماره ۴
مهر و آبان ۱۴۰۳

۱- مشخصات کتاب‌شناسی آثار فلورین زویبروی درباره ابن خفیف و مطالعات عرفان فارس به شرح زیر است:

Ibn Hafif und seine Schrift zur Novizenerziehung (Kitab al-Iqtisad). Biographische Studien, Edition und Übersetzung. BTS 57. Beirut 1998.

"Eine neue Quelle für die Biographie Ibn Hafifs. Die Vita Ibn Hafifs in Ibn `Asakirs Tarikh Dimashq". Der Islam 74 (1997), 305-335.

"Ibn Khafif's Kitab al-Iqtisad and Abu l-Najib al-Suhrawardi's Adab al-muridin. A comparison between two works on the Training of Novices". JSS 43/2 (1998), 327-345.

"Mittelsleute zwischen Ibn Khafif und Abu Ishaq al-Kazaruni". Asiatische Studien LI/2 (1997), 651-671.

"Al-Daylami". The Encyclopaedia of Arabic Literature. Ed. by Julie Scott Meisami and Paul Starkey. London-New York 1998.

"Ibn Khafif", in: The Encyclopedia of Islam. Third Edition.

"Kāzarūnī", in: The Encyclopedia of Islam. Third Edition, Leiden et al. [im Druck].